



# برخی مباحث علوم قرآنی

## در تفسیر ابوالفتوح

دکتر محسن قاسم پور  
استاد یار دانشگاه و عضو  
هیئت علمی بنیاد دایرة المعارف اسلامی

### چکیده

علوم قرآن به دانش‌هایی گفته می‌شود که در خدمت فهم بهتر قرآن است. علمی مانند شأن نزول آیات، احکام و تشابه، ناسخ و منسوخ، مجمل، مبین، اعجاز و... از جمله آنهاست. قرآن پژوهان درباره این علوم آثار مستقلی عرضه کرده‌اند و برخی مفسران نیز در مقدمه‌های تفسیر خود و یا لابلای آن به گونه‌ای مبسوط یا محدود آن را مورد بحث قرار داده‌اند. ابوالفتوح رازی نیز در تفسیر خود به طور محدود به برخی از این دانش‌ها پرداخته است. این مقاله از آن میان، تفسیر و تأویل، ناسخ و منسوخ، احکام و تشابه و نکته‌هایی در خصوص آیات مکی و مدنی را بررسی کرده است. در بحث تفسیر و تأویل، ابوالفتوح افزون بر گفته‌های مفسران پیشین چیزی اضافه ندارد و در واقع شارح آنهاست.

در موضوع ناسخ و منسوخ، در برخی مواضع اجتهاد و رویکردی نقادانه داشته و در بعضی موارد نیز صرفاً ناقل است. ابوالفتوح تأویل برخی آیات متشابه را مشروط به پای بندی به موازین و قواعد تأویل برای غیر راسخین در علم مجاز می‌شمارد. مکی و مدنی در تفسیر ابوالفتوح بازتابی ندارد و نکته‌هایی که وی در این تفسیر پیرامون آنها بیان کرده در واقع گفته‌های کسانی چون شیخ طوسی و برخی مفسران دیگر است.

### واژگان کلیدی

تفسیر علوم قرآنی، ابوالفتوح رازی، ناسخ و منسوخ، احکام و تشابه

### مقدمه

حسین بن علی بن محمد بن احمد رازی معروف به ابوالفتوح رازی از عالمان و مفسران شیعی قرن ششم بود. اجداد وی از نیشابور به ری رفته و در آنجا ساکن شده‌اند. از سوانح حیات او بویژه ولادت و وفاتش، اطلاع دقیقی وجود ندارد. اما محققان در تتبع‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند

که وی از عالمان و متکلمان اواخر قرن پنجم و اوایل تا اواسط قرن ششم هجری بوده است.<sup>۱</sup> ابوالفتوح احتمالاً تا سال ۵۵۴ در قید حیات بوده است.<sup>۲</sup> به تصریح خود مفسر در لابلائی تفسیر روض الجنان، وی از اولاد نافع بن بدیل و رقاء خزاعی صحابی رسول خدا (ص) بوده است.<sup>۳</sup>

قدیمی ترین شرح حال او توسط دو تن از مبرزترین شاگردان ابوالفتوح یعنی شیخ منتجب الدین رازی و ابن شهر آشوب مازندرانی به رشته تحریر درآمده است.<sup>۴</sup> بر اساس همین گزارش ها، وی غیر از تفسیر، در وعظ و خطابه و ادبیات نیز دستی توانا داشت. ابوالفتوح از پدر خود علی بن محمد، ابو علی طوسی فرزند شیخ طوسی و قاضی فاضل حسن استرابادی روایت نقل کرده است و چنان که گفته شد دو تن از مهم ترین شاگردان وی نیز عبارت بودند از: شیخ منتجب الدین رازی و ابن شهر آشوب مازندرانی.

افزون بر تفسیر روض الجنان و روح الجنان وی در شرح احادیث و علم کلام نیز آثاری از خود به یادگار گذاشته است. شرح شهاب الاخبار قاضی ابو عبدالله محمد قصابی (متوفی ۴۵۴ هـ) در حدیث، و رساله های «یوحنا» به فارسی در اثبات عقاید شیعه و در علم کلام و نیز رساله حسنیّه، آن هم در علم امامت و کلام و به زبان عربی که بعدها به فارسی برگردانده شد، آثار وی را تشکیل می دهد. قرن ششم، روزگار بروز و ظهور تفاسیر مهمی چون کشاف، مجمع البیان و کشف الاسرار و عده الابرار است. در چنین عصری، ابوالفتوح نیز تفسیری تمام از قرآن به دستداران این کتاب تقدیم می کند. تفسیری از وحی نامه الهی که برخوردار از اعجاز است و به باور ابوالفتوح شاخص آن (اعجاز)، فصاحت و بلاغت و یا نظریه صرفه است. بنظر می آید وی تحت تأثیر سید مرتضی متکلم برجسته شیعی در میان همه نظرات پیرامون اعجاز به این قول نزدیک تر است.<sup>۵</sup>

این تفسیر بعد از سال ۵۱۰ یا بنا به گفته علامه قزوینی بین سال های ۵۱۰ تا ۵۵۶ به رشته تحریر درآمده است.<sup>۶</sup> روض الجنان، تفسیری است کلامی-روایی و برخوردار از خصوصیات ادبی و کما بیش ذوقی. نثر فارسی این تفسیر، استوار و در عین حال آمیخته با ویژگی های ادبی قرن پنجم و ششم هجری؛ به گونه ای که جنبه های ادبی این تفسیر ضمن پژوهشی، بطور مستقل مورد بررسی قرار گرفته است.<sup>۷</sup>

باری، این تفسیر از تفاسیر قبل از خود همچون تفسیر طبری، تبیان، تفسیر ثعلبی، کشاف و... بهره گرفته و بدون تردید در تفاسیر بعد از خود، همچون تفسیر گازر و تفسیر

منهج الصادقین، تأثیری مستقیم داشته است.

به نظر می‌رسد این تفسیر هنوز ظرفیت‌های لازم را برای بررسی و تحقیق در خود نرفته دارد و می‌تواند باز هم از جنبه‌های مختلف کلامی، ادبی، روایی و... واکاوی شود، از جمله از زاویه نگاه مفسر به علوم قرآنی.

علوم قرآن به تمام دانش‌هایی اطلاق می‌شود که در خدمت فهم بهتر قرآن قرار می‌گیرد و شاخص آن علومی نظیر، شأن نزول، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، مکی، مدنی، اعجاز و... می‌باشد. امروزه در این حوزه گسترده می‌توان از مباحث جدیدی چون قصه در قرآن، زبان قرآن و تأثیر مباحث هرمنوتیکی در تفسیر به عنوان دانش‌های پیرامون در علوم قرآنی سخن به میان آورد.<sup>۸</sup>

قرآن پژوهان و مفسران به سهم خود چه در آثاری مستقل و چه در لابلای تفاسیر خویش به این مهم پرداخته‌اند و هر کدام با رقم زدن و قلمی کردن آثار گرانسنگ، گام‌های استواری را در راه فهم بهتر قرآن برداشته‌اند. بررسی علوم قرآن در تفسیر ابوالفتوح مجالی وسیع و فراتر از حد این مقاله می‌طلبد. نگارنده صرفاً برخی از انواع علوم قرآن، نظیر ناسخ و منسوخ، احکام و تشابه، تفسیر و تأویل را با توجه به بضاعت اندک خود در این بررسی کرده است.

### تفسیر و تأویل در روض الجنان

اصطلاحات تفسیر و تأویل از واژگان کلیدی در علوم قرآنی است. مفسران در مقدمه تفسیرهای خویش و محققان علوم قرآنی در آثار ماندگارشان به معناشناسی این دو واژه پرداخته‌اند. برآیند کلی تعریف تفسیر از نظر آنان چنین است که تفسیر به بیان معانی و مراد الفاظ و عبارات قرآن کریم و تأویل به درایت‌ها و استنباط‌ها و توجیه متشابهات و معانی باطنی الفاظ قرآنی ناظر است.<sup>۹</sup> ابوالفتوح رازی نیز از مفسرانی است که در مقدمه تفسیرش این مهم را از نظر دور نداشته است. وی از دیدگاهی پیروی کرده که بر آن است تفسیر از لحاظ لغوی مشتق از سفر و مقلوب آن است و تصریح می‌کند تفسیر به معنای کشف است.<sup>۱۰</sup> در اینجا استناد ابوالفتوح، گفته این درید است: «اصل کلمه از تفسره است و آن آب بیمار باشد که بر طیب عرضه کنند تا در او نگرد و دستور خود سازد تا به علت بیمار راه برد چنان که طیب به نظر در آن کشف کند از حال بیمار، مفسر کشف کند از شأن آیت قصه و معنی و سبب نزول او. ابوالفتوح از معنای اصطلاحی تفسیر چنین تعبیری دارد:

تفسیر، علم بسبب نزول آیت باشد و علم به مراد خدای تعالی از لفظ تعاطی آن نتوان  
کردن الا از سماع و آثار. ۱۱

در جایی دیگر تفسیر را بیان معنی آیات محکم می‌داند. ۱۲

می‌توان گفت ابوالفتوح از مفسرانی است که تفسیر را دانشی دانسته که از طریق آن  
الفاظ قرآن و مفاهیم آیات روشن می‌شود و محوری‌ترین عنصر آن شأن نزول است.

اگر از معنای لغوی تأویل (یعنی رجوع) ۱۳ که ابوالفتوح نیز بدان پای بند است، بگذریم  
از نظر اصطلاحی تأویل در اندیشه تفسیری ابوالفتوح معنایی دارد:

تأویل صرف آیت باشد با معنی که محتمل باشد آن را موافق ادله و قراین واصل او از  
اول باشد و آن رجوع بود و گفته‌اند اصل او ایالت بود و آن سیاست باشد. ۱۴

در ادامه چنین افزوده است:

و تأویل، چون کسی عالم باشد به لغت عرب و علم اصول را متقن باشد او را بود که  
حمل کند آیت را به احتمالات لغت چون قدحی نخواهد کردن و در اصول قطع نکند  
بر مراد خدا الا به دلیل. ۱۵

بنابراین ابوالفتوح همچون مفسران دیگر بین تفسیر و تأویل مرزی قائل است. او گفته است:

در عرف اهل علم تفسیر، فرقی هست میان تفسیر و تأویل که بیان معنی آیات محکم  
را تفسیر گویند و بیان معنی آیات متشابه و دگر وجوه احتمالات را تأویل گویند. ۱۶

همچنین در جای دیگر از تفسیر خود با استناد به قول برخی مفسران بیان دیگری از  
اصطلاح تأویل به دست می‌دهد: *رتال جامع علوم انسانی*

تأویل آن باشد که یؤول الیه عاقبة الامر، بعضی مفسران گفتند: مراد به تأویل تفسیر  
است و ضحاک گفت: آنچه عاقبت با آن شود از ثواب و عقاب. ۱۷

دو نکته در این تعریف وجود دارد: یک آنکه تفسیر و تأویل دست کم در نظر مفسران اولیه به  
یک معناست، ۱۸ دو آنکه تأویل به معنای فرجام نیک و بد اعمال و این همان چیزی است که  
مفسران متأخر با الهام از آن تأویل را به معنای فرجام نهایی اعمال چه نیک و چه بد به آن راجع  
می‌دانند.

در تأویل شناسی ابوالفتوح باید به چند نکته محوری دیگر اشاره کرد:

الف: تأویل با متشابهات قرآن پیوند دارد.

ب: تأویل به معنای تعبیر خواب نیز آمده است.

ج: نوعی تأویل هم وجود دارد که باید از آن برحذر بود.

در موضوع نخست، ابوالفتوح بر آن بوده که تأویل متشابهات ضمن رعایت قواعد آن، بی اشکال است و از سوی دیگر راسخان در علم مصداق بارز دانایان به این متشابهات اند. از جمله دلایلی که از نظر ابوالفتوح لازمه عالم بودن راسخان در علم به متشابهات قرآن است اینکه: [چون] راسخان علم تأویل متشابه ندانند و جز راسخان نیز بدانند چه فرق باشد میان راسخ و ناراسخ و چه فایده بود وصف ایشان در این جایگاه به رسوخ و ثبوت قدم در علم.<sup>۱۹</sup> او همچنین افزوده است:

نشاید در حکمت که با رسول خطابی کند که او نداند و رسول از قبل او با ما آن خطاب کند و نه او داند که چه می گزارد و نه ما می دانیم که چه می شنویم پس رسول باید که داند و باید که عالمان ربانی از اهل بیت و صحابه او دانند برخلاف قول اول.<sup>۲۰</sup>

ابوالفتوح چنان که آمد دانایان به متشابهات را صرفاً پیامبر و اهل بیت که البته مصداق بارز راسخان علم اند، نمی داند بلکه عالمان ربانی و اصحاب و پیروان آنان که به موازین و ضوابط تفسیر متشابهات و ارجاع آن به محکومات آشنایی دارند نیز از نظر او می تواند در دایره مشمول آگاهان به متشابهات قرار گیرند. ابوالفتوح عقیده دارد در قرآن الغاز و پیچیدگی نیست و این کتاب چنان که قرآن می گوید به لغت عرب فرستاده شده است<sup>۲۱</sup>؛ لذا تصریح می کند: «جمله قرآن به تفصیل و تبیین وصف کرد جز آن است که بعضی از او به تأمل و تدبّر توان دانستن.»<sup>۲۲</sup>

بنظر می رسد مقصود ابوالفتوح تأویل متشابهات است که با رعایت اصول و قواعد آن می توان به آن دست یافت. به بیان دیگر، تأویل نیز قانونمند است. ابوالفتوح تأویل را به معنای تعبیر خواب را نیز ذیل آیات ۳۶، ۳۷، ۴۵ سوره یوسف بکار برده است.<sup>۲۳</sup>

در باور ابوالفتوح نوعی تأویل وجود دارد که باید از آن دوری جست و ذیل آیه هفتم سوره آل عمران چنین گفته است: «پس قدیم جل جلاله گفت: «تأویل آیت یعنی آن وجه معین که مراد من است که من بیان نکرده ام کسی را، برای صلاحی را آن کس نداند مگر من و این وجهی نیکوست در تفسیر این آیت.»<sup>۲۴</sup>

این بیان، اجتناب از تأویل گرایی را مورد تأکید قرار داده و به نوعی به برخی آیات متشابه ناظر است که راهی برای وقوف بدان وجود ندارد مانند اینکه زمان قیامت یا خروج دابّه کی و کجاست.<sup>۲۵</sup>

بدین سان می توان گفت که: در نظر ابوالفتوح متشابهات نیز «مقول به تشکیک اند» برخی آیات آن، با رعایت ضوابط، برای راسخان و جز آنان قابل فهم و درک بوده و برخی دیگر راهی برای فهم آن جز برای خداوند متصور نیست.

### احکام و تشابه در روض الجنان

در یک تقسیم بندی کلی، بر اساس آیه هفتم سوره آل عمران، آیات قرآنی شامل محکّمات و متشابهات اند. یکی از مهم ترین مباحث قرآن پژوهی بین مفسران همواره همین موضوع محکم و متشابه بوده و مفسرانی چون امام فخر رازی، محمد عبده، علامه طباطبایی ضمن اشاره به اختلافات و گونه گونی آراء آنها را به تفصیل مورد بحث قرار داده اند. ۲۶ این اختلاف در تفسیر در حدی است که به گفته برخی خود این آیه نیز از متشابهات محسوب می شود. ۲۷

تاویل آیات متشابه و حکمت وجود آن و نیز بحث بر سر مصادیق چنین آیاتی، همواره از گفتگوهای پیرامونی موضوع آیات محکم و متشابه بوده است. در این میان ابوالفتوح در جاهایی از تفسیر روض الجنان از جمله مقدمه آن، این موضوع را نیز مورد تحلیل قرار داده است. او ابتدا به تعریف محکم و متشابه پرداخته و تعاریف زیر را برای آن آورده است:

... قسمت دوم آن بود که ظاهر لفظ او مطابق معنی او بود در لغت عرب و آن را محکم خوانند مثل قوله «قل هو الله احد»<sup>۲۸</sup> در همین جا او گفته بیشتر آیات قرآن از این جنس است. ابوالفتوح در تعریف (حد) «محکم» چنین اظهار داشته است: حدّ محکم هر آن لفظی باشد که ظاهرش خیر دهنده بود از معنی اش بی اعتبار امری که ضم کنند به آن چنان که مثالش گفته شده. ۲۹

عبارت «بی اعتبار امری که ضم کنند به آن» یعنی بدون لحاظ قرینه و شاهد، خود لفظ به خودی خود، دارای معنا می باشد و لفظ، احتمال معنای دیگری را بر نمی تابد. مفسر ما در جای دیگری از تفسیر با مقایسه تعریف متشابه و محکم، مضمون بالا را تأکید کرده و گفته است:

قرآن بهری محکم است که مراد از او به ظاهر بدانند و بهری متشابه است که معنی از او به ظاهر ندانند بل محتاج باشند به دلیلی و مفسری که بیان مراد کند كالصلوة و الزکوة و الصوم و الحج و غیر ذلک. ۳۰

اما در تعریف متشابه چنین می خوانیم:

...قسمت چهارم لفظش مشترک بود از میان دو معنی یا بیشتر و هر یکی از آن روا بود که مراد بود این قسمت را متشابه خوانند. حکم او آن بود که حمل کنند آن را بر احتمالات خود و...<sup>۳۱</sup>

حکم و شأن وجود چنین آیاتی (متشابهات) از نظر این مفسر چنین است: حکم او (آیه متشابه) آن بود که حمل کنند آن را بر احتمالات خود و آنچه ممکن بود که در لغت آن وجه محتمل بود آن را و دلیلی منع نکند از حملش بر آن وجه و قطع نکنند بر مراد خدای تعالی الا به نصی از رسول یا از ائمه که قول ایشان حجت باشد در دین.<sup>۳۲</sup> به اعتقاد ابوالفتوح آیه متشابه را تنها از طریق قرینه صحیح - که البته روایت پیامبر و اهل بیت به شرط صحت انتساب سندی و دلالتی، جزء این قبیل قرائین است - می توان به وجه صحیح آن حمل یا تفسر کرد ابوالفتوح همچنین با توجه به وجه تسمیه کلمه متشابه آن را لفظی می داند که محتمل وجوه معانی گونه گونه است که در معرض شبهه قرار دارند. این تأویل صحیح است که آنها را از تردید و شبهه خارج می کند بیان او چنین است:

حدّ متشابه آن بود که مراد از ظاهر ندانند بی دلیل و الفاظ مشترک و محتمل را هم، این حکم بود و برای آتش متشابه خوانند که بر او مشتبه باشد از آن چنان که خدا گفت: ما فرطت فی جنب الله... و قوله فثم وجه الله... و جاء ربک...<sup>۳۳</sup>

ابوالفتوح همه قرآن را از یک نظر محکم و از سوی دیگر متشابه می داند. او ضمن استناد به آیه ۲۳ سوره زمر<sup>۳۴</sup> متشابه بودن همه قرآن را چنین ترسیم کرده است: کتابی است متشابه یعنی بهری ماند در حسن نظم و ترتیب و بلاغت و تناسب و آنچه لایق این بود و هیچ تناقض نیست و اختلاف، یعنی مصدق بعضی و بهری مقوی و مبین بهری.<sup>۳۵</sup>

به عقیده ابوالفتوح لفظ «مثنائی» در این آیه به معنای مکرر است و مقصود از متشابه در این آیه، یعنی ویژگی یکنواخت سراسر آیات قرآن و اینکه از نظر محتوا و مضمون نوعی شباهت و تصدیق بین همه آیات قرآن وجود دارد. هر آیه مؤید دیگری است و تضاد، اختلاف و اعوجاج در هیچ یک از آیات قرآنی وجود ندارد و شباهت بین همه آیات منتشر و ساری و جاری است. از دیگر سو، همه قرآن نیز محکم است. استناد مفسر به آیه الر. کتاب احکمت آیاته... (مرد)، (۱/۱۱) است. ابوالفتوح احکام<sup>۳۶</sup> را به معنای منع فعل گرفته از آن جهت که فساد به آن راه یابد. او به نظرات مفسرانی چون ابن عباس، قتاده و مجاهد استناد کرده که بر اساس آن محکم بودن

قرآن یعنی منسوخ نشدن قرآن با کتابی دیگر و راه نیافتن باطل بدان. <sup>۳۷</sup> وی مقصود از «احکام» در این آیه را استحکام و استواری قرآن دانسته و اینکه تناقض و باطل در آن راه نیافته است.

تصریح او به هنگام تفسیر آیه ۴۲ سوره فصلت <sup>۳۸</sup> شاهد مدعای اوست:

«باطل از پیش او نیاید و از پس او آن که مناقضه و شبهت مشاکلت بر او راه نیابد از جهت لفظ و نه از جهت معنا، قتاده و سدی گفتند شیطان نتواند باطلی در او افزایش دهد یا حقی از او بکاهد. <sup>۳۹</sup> عدم راهیابی باطل به قرآن تأکید و نظر خود ابوالفتوح هم هست. لذا می توان گفت توصیف قرآن به «احکام» به این معنا به آیات محکومات فقط اختصاص ندارد و مضامین آیات متشابه نیز از نوعی احکام و استواری برخوردار است و شاخص این «احکام» نیز عدم راهیابی باطل به کل آیات قرآنی است.

### تعاریف دیگر

ابوالفتوح رازی تعاریف دیگری نیز برای محکم و متشابه آورده که برخی از آنها عبارت

است از:

محکم ناسخ باشد که بر او عمل باید کردن و متشابه منسوخ بود که به او ایمان باید آوردن و به او کار نباید کردن. محکومات قرآن حلال و حرام و حدود و احکام و فرائض است که آن را کار باید بستن و ایمان باید آوردن و متشابه، امثال و مواظب و مقدم و موخر است که در آن جا چیزی نبود که کار باید بستن و محکم آن باشد که علما تأویل آن دانند و متشابه آن بود که تأویل آن جز خدای تعالی نداند کالخبر عن قیام الساعة و... <sup>۴۰</sup>

### نمونه هایی از آیات متشابه

در بحث متشابه مفسر آیاتی را نظیر: قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم تا سه آیه بعدی (انعام،

۱۵۴-۱۵۱/۶)

و قضی ربک الاتعبدوا الاایاه و بالوالدین احساناً (اسرا، ۱۷/۲۳)، ... ثم استوی الی السماء فسواهن سبع سموات (بقره، ۲۹/۲)؛ و یا الرحمن علی العرش استوی (طه، ۵/۲۰) مورد توجه قرار داده و با اینکه تصریح به متشابه بودن آنها نکرده اما رویکرد او در تفسیر آیه، نشان از متشابه بودن آنها دارد. برای مثال ذیل آیه ثم استوی الی السماء... در تفسیر «استوی» چند قول می آورد: انتصاب، اعتدال، تمام شباب، قصد و اقبال بر چیزی و استیلا و قهر و غلبه. <sup>۴۱</sup> برای هر کدام از این معانی نیز شاهدی از اشعار عربی آورده، و در نهایت همان گونه که خود در تعریف متشابه



گفته آیه باید با توجه به قرائت و شواهدی از آیات قرآنی، روایات، ادبیات عرب و... تأویل نشود. در اینجا «استوی» را به معنای قصد می‌گیرد و «ثم استوی الی السماء» را به معنی «قصد الی الفلق السماء». اما در آیه مشابه «الرحمن علی العرش استوی» «استوی» را به معنای «استولی علیه» بکار گرفته است. شاهد شعری او برای چنین گزینشی این شعر است.

قد استوی بشر علی العراق  
 او در این مورد چنین گفته است:

... ای استوی علیه و بر این تفسیر دادند قول خدای را «الرحمن علی العرش استوی» نبینی که به علی تعدیه کرد چنان که استولی متعدی است به علی و این وجه در این آیت هم محتمل بود معنی آن باشد که قهرها و ذلله بالخلق چنان که گفت: «قالنا اتینا طائعین یعنی ذلیل و فرمانبردار و خاضع شوند مر خدای تعالی را. ۴۳»

ملاحظه می‌کنیم ابوالفتوح دقیقاً با توجه به همان تعریف که از مشابه به دست داده در مقام تفسیر آیه‌ای مشابه برمی‌آید و از بیان گفته‌های مختلف با استناد به شواهدی، یک نظر را ترجیح می‌دهد و این یعنی تأویل مشابه.

در ذیل آیه و قالت اليهود یدالله مغلوله... (مانده، ۶۴/۵) نیز ابوالفتوح به تفصیل بحث کرده است. او ضمن اشاره به نظر مفسران تابعی همچون مجاهد، سدی و حسن بصری دیدگاه شیعه و اخباریان را مطرح کرده و سرانجام با برشمردن اقسام «ید» نتیجه می‌گیرد کلمه «ید» در این آیه به معنای نعمت است. ۴۴

### ناسخ و منسوخ در تفسیر ابوالفتوح

یکی دیگر از مهم‌ترین انواع علوم قرآنی که از دیر باز مورد توجه مفسران و قرآن پژوهان و اصولیان قرار گرفته، موضوع ناسخ و منسوخ در قرآن است. ۴۵ دانشمندان مسلمان بر این باورند که نسخ هم در قرآن و هم در سنت رواست درست برخلاف یهودیان که منکر نسخ در شریعت می‌باشند. ابوالفتوح هم از زمره دانشمندانی است که این موضوع را مورد توجه قرار داده، هم در مقدمه تفسیر و هم در ذیل آیاتی که به نحوی به این موضوع راجع است.

### تعریف نسخ در روض الجنان

ابوالفتوح نسخ را از لحاظ لغوی به معنای تغییر و تبدیل و مسخ و تحویل دانسته است. ۴۶ و در اصطلاح آن را چنین تعریف کرده است:

حد ناسخ و حقیقت او: هر دلیلی باشد شرعی که دلیل کند بر زوال مثل حکم ثابت به نص اول در مستقبل روزگار بر وجهی که اگر به آن بودی ثابت بدی به نص اول با تراخی اش. ۴۷ مفسر ما آنگاه جزئیات بیشتری از این تعریف ارائه داده و گفته است:

از او برای آن گفتیم دلیل شرعی که اگر دلیل عقلی پیدا شود بر زوال مثل حکم ثابت به نص در مستقبل آن را نسخ نخوانند. نبینی که مکلف چون عاجز نشود یا عقلش زایل شود عبادات از او ساقط گردد به دلیل عقل و آن را ناسخ نخوانند و برای آن گفتیم که: به زوال مثل حکم و نگفتیم بر زوال حکم. برای آن که اگر نفس به آنچه بدو امر کرده باشد منسوخ کند بدا باشد و بدا بر خدای تعالی روا نبود. ۴۸

چنان که آشکار است ابوالفتوح به روشنی دو رکن اساسی در تعریف نسخ را خاطر نشان کرده است یکی آن که نسخ حتماً دلیل شرعی می خواهد و دوم آنکه فرق است بین نسخ و بدا. نسخ حکم برای خدا جایز است اما «بدا» جایز نیست. ۴۹

در جای دیگری سخن ابن عباس را در تعریف اصطلاح شرعی مورد اشاره قرار داده که: «مراد از نسخ، نسخ شرعی است از ازاله و ابطال حکم. ۵۰ ابوالفتوح منسوخ را چنین تعریف کرده است:

منسوخ آن بود که حکمش بگردانند یا تلاوتش به تلاوت یا به دلیل ناسخ. ۵۱ نکته دیگری که ابوالفتوح در تعریف نسخ مورد تأکید قرار داده این است که: نسخ در امر و نهی شرعی وارد می شود نه در خبر و دیگر اقسام کلام. بنابراین نسخ از نظر ابوالفتوح در آیاتی که به مباحث مربوط به قصص و اخبار و یا آیات متشابه ناظر است، وارد نیست.

### انواع نسخ در دیدگاه ابوالفتوح رازی

ابوالفتوح نسخ را سه نوع دانسته است. بیان خود او چنین است:

الف: حکم منسوخ بود و تلاوت بر جای؛

ب: تلاوت منسوخ بود و حکم بر جای برعکس قسمت اول؛

ج: لفظ و حکم هر دو منسوخ باشد. ۵۲

ابوالفتوح همین تقسیم بندی را در ذیل آیه ۱۰۶ سوره بقره نیز تکرار کرده است. ۵۳ مصداق نسخ نوع اول را آیاتی مانند ۲۴۰ بقره و ۱۲ مجادله می داند که در آنها عده زن شوهر مرده از یک سال به چهار ماه و ده روز و نیز برداشته شدن حکم پرداخت صدقه برای

نجوا با پیامبر (ص) تصریح شده است. نمونه دیگری که به نظر ابوالفتوح مصداق این نوع نسخ است، آیه ۶۵ سوره انفال است که با آیه بعدی آن (آیه ۶۶) نسخ شده یعنی نسخ حکم ستیز یک مسلمان با ده کافر با حکم جنگ یک مسلمان با دو کافر ۵۴.

مثال نوع دوم از نظر ابوالفتوح آیه مجعول «رجم» است که از نظر شیعه و خود ابوالفتوح پذیرفتنی نمی نماید. مصداق نوع سوم نسخ آیه مجهول دیگری است که بر اساس برخی اخبار نادرست حکم ده رضعه به پنج رضعه<sup>۵۵</sup> تغییر یافته که این مورد نیز به عقیده عالمان شیعه نادرست است.<sup>۵۶</sup> ابوالفتوح در اینجا صرفاً با عبارت «علی خلاف بین الفقهاء فیه» از کنار این نوع نسخ گذشته است. اما در یک نگاه کلی می توان گفت وی مانند قاطبه عالمان شیعه به چنین نسخی معتقد نیست. زیرا لازمه آن قول به تحریف است. شاهد ما بیان دیگری از ابوالفتوح و در جای دیگری از تفسیر اوست آنجا که گفته است:

آنچه لفظ و حکم منسوخ است آن است که در اخبار آمده است کان مما انزل الله ان عشر رضعات یحرمن، آنکه منسوخ شد به پانزده رضعه و تلاوت نیز منسوخ شد و این هر دو در اخبار آحاد است و بر او قطع نیست.<sup>۵۷</sup>

### امکان و وقوع نسخ از نظر ابوالفتوح

مفسر ما در ذیل آیه ۱۰۶ سوره بقره بر جایز بودن نسخ تأکید دارد و در این باره نظر یهودیان را مردود اعلام کرده، عبارت وی چنین است:

آیت رد بر جهودان است که ایشان منکر بودند نسخ شرایع را حق تعالی باز نمود که چنان که شرایع تبع مصالح بود نسخ او و تبدیل او هم تبع مصالح بود تا اگر در این کتاب که ناسخ همه کتابهاست و این شریعت که ناسخ همه شرعهاست مصلحت نسخ پیدا شود بعضی به بعضی منسوخ کنیم آیتی بر آیتی و حکمی به حکمی چه مصالح خلقان در تکالیف و عبادات ایشان جز من ندانم.<sup>۵۸</sup>

در ذیل آیه یمحو الله ما یشاء و یثبت... (رعد، ۱۳/۳۹) در ضمن اقوالی که از مفسران می آورد سخن سعید بن جبیر و قتاده را مورد توجه قرار داده و گفته است: مراد شرایع است و نسخ آن که خدای تعالی آنچه خواهد محو کند به نسخ و آنچه خواهد به بدل آن اثبات کند تا به محو منسوخ باشد و مثبت ناسخ یا آنچه خواهد نسخ کند و آنچه خواهد بر حکم خود رها کند. نکته مهم دیگر آنکه شباهتی میان نسخ و تخصیص وجود دارد که موجب اشتباه بعضی گردیده است. عده ای مواردی از تخصیص را در باب نسخ وارد کرده اند و بی دلیل در شمار

منسوخات قرآن افزوده اند. ۶۰ ابوالفتوح رازی در همین بحث بین بدا و نسخ و تخصیص فرق قائل است. او تخصیص را چنین تعریف کرده است: «اخراج چیزی باشد از حکم جمله به دلیل» ۶۱ معلوم است که اگر نسخ تخصیص هم باشد صرفاً تخصیص زمانی است نه نسخ افرادی و غیر زمانی و دلیل نیز در تخصیص می تواند دلیل غیر شرعی هم باشد در حالی که وقوع نسخ صرفاً با دلیل شرعی امکان وقوع می یابد.

### انواع نسخ حکم و ابقای تلاوت

در این بخش سه نوع نسخ مورد بحث قرار گرفته است. ابوالفتوح در تفسیر خود در این خصوص چنین گفته:

نسخ کتاب به کتاب روا بود، نسخ سنت به کتاب روا بود و نسخ کتاب با سنت روا باشد به شرط آن که مقطوع علیها باشد. ۶۲

در مورد اول قبلاً بحث کردیم. مثال نسخ سنت به کتاب نیز آیه ۱۴۴ بقره است. از عبدالله بن عباس نقل شده که نخستین آیه ای از قرآن که حکم نسخ در آن بیان شده، همین آیه است. ۶۳ از آنجا که درباره رویکرد اولیه پیامبر (ص) به بیت المقدس حکمی در قرآن نیست این آیه می تواند نسخ حکم توجه به بیت المقدس که مأخوذ از سنت است، باشد. ابوالفتوح در این زمینه چنین عبارتی آورده است:

اصم گفت: معنی روی در آسمان گردانیدن آن است که خدای وحی کرد به رسول (ع) و گفت من توجه به بیت المقدس منسوخ کردم و هنوز وقت نماز نبود و نگفت روی به کعبه کن. چون وقت نماز در آمد رسول (ع) روی در آسمان می گردانید انتظاراً للوحی تا وحی آمد که دانست که نماز درست نباشد بی قبله تا وحی آمد که فول وجهک شطر المسجد الحرام. ۶۴

در مورد نسخ کتاب با سنت (متواتر) دانشمندان اختلاف نظر دارند، بعضی قائل به جوازند مانند نسخ روایت «لا وصیة لوارث» که آیه وصیت وارث را نسخ کرده است. ۶۵ و برخی قائل به منع شده اند. قائلان به جواز با توجه به آیاتی مانند: «وما ینتطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی (نجم، ۵۳/۳-۴) بر این عقیده اند سنت نیز از جانب خداست. لذا عقلاً چنین نسخی محال نیست گر چه واقع نشده است. ۶۶ بنظر می رسد ابوالفتوح نیز جزء این دسته است.

### رویکرد تفسیری ابوالفتوح رازی در برخی آیات ناسخ و منسوخ

ابوالفتوح در شناسه برخی سوره ها، ناسخ و منسوخ نداشتن سوره ها را متذکر می شود مثلاً ابتدای سوره رعد یا سوره یس یا سوره مؤمن می گوید در آن ناسخ و منسوخ نیست. ۶۷

سؤالی که مطرح است آنکه آیا به نظر ابوالفتوح به غیر از این موارد دیگر سوره‌های قرآن دارای ناسخ و منسوخ است؟! بسیار بعید است، ابوالفتوح رازی به چنین نظری اعتقاد داشته باشد. آنچه احتمالاً در اینجا می‌توان گفت این است که ابوالفتوح در آغاز معرفی سوره‌ها، سخن شیخ طوسی را تکرار کرده و گفته، گفته شیخ طوسی است نه ابوالفتوح و در یک کلام می‌توان گفت شیخ طوسی و به پیروی از او، ابوالفتوح رازی نام سوره‌هایی که ناسخ و منسوخ ندارند را به عنوان نمونه ذکر کرده‌اند.<sup>۶۸</sup>

### جهت گیری نقادانه ابوالفتوح در آیات ناسخ و منسوخ

در برخی موارد ابوالفتوح رأی کسانی را که به وجود نسخ در آیه‌ای معتقدند نمی‌پذیرد و ضمن دلیلی آن را مردود اعلام می‌دارد. برای نمونه ذیل تفسیر آیه ۱۹۰ بقره: و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم، که به ادعای برخی با آیه ۳۶ توبه و قاتلوا المشرکین كافة کما یقاتلونکم کافه... نسخ شده چنین گفته است:

آیت محکم است و از احکام او هیچ منسوخ نیست و آن که خدای تعالی گوید در این آیت: کارزار کنی با آنان که با شما کارزار کنند منع نکنند از وجوب قتال آنان که با ما قتال نکنند برای آن که این دلیل الخطاب باشد و آن معتمد نیست چنان که بیان کردیم.<sup>۶۹</sup> ابوالفتوح در تفسیر آیه یسألونک عن الشهر الحرام (بقره، ۲/۲۱۷) نسخ ادعایی آیه را مطرح و در جواب کسانی که می‌گویند آیه با آیه فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموه (توبه، ۵/۹) نسخ شده چنین گفته است:

مذهب ما آن است که هر کس که این ماه و این جای را حرمت دارد قتال نکند با او قتال نکند و ابتدا نکنند به اذیت او و آن کس که این حرمت ندارد با او قتال کنند. وی این جواب را در رد نظر مفسران چون قتاده که گفته در ماه حرام و در حرم منسوخ است، بیان کرده است.<sup>۷۰</sup>

نمونه دیگر را می‌توان در تفسیر آیه ۳۴ نساء (آیه متعه) ملاحظه کرد، ابوالفتوح دلایل کسانی را که در مورد این آیه ادعای نسخ کرده‌اند نپذیرفته و به تفصیل پاسخ داده و از جمله گفته است: «آیت، آیتی است که محکم و منسوخ نیست و این مذهب اهل البیت است. هر که دعوی نسخ کند بر او دلیل باشد. دلیلی دیگر آن که نسخ قرآن به اخبار واحد روا نباشد.<sup>۷۱</sup> در ذیل تفسیر آیه کتب علیکم اذا حضر... (بقره، ۱۲/۱۸۰) به ادعای نسخ این آیه با روایت لا وصیة لوارث چنین پاسخ می‌دهد:

نسخ قرآن به خبر واحد درست نباشد و بعضی اصحاب ما را مذهب آن است که به خبر متواتر نشاید و قول اول درست است. ۷۲

او همچنین ذیل همین آیه به ادعای دیگری که بر اساس آن معتقدند آیه مذکور با آیه ۷ سوره نساء: للرجال نصيب مما ترك الوالدان والاقربون وللنساء... نسخ شده چنین پاسخ داده است: و عجب از آن کسی است که این حکایت کرد (آیت منسوخ است به آیت مواریث) از ایشان همانا آن را که اندکی معرفت بود نگوید که این آیت منسوخ تواند بودن به آیت سوره النساء برای آن که آن جا متوفی مورث پدر و مادراند و در این آیت وارث یا موصی له پدر و مادراند و بین الایتین یون بعید. ۷۳

مثال دیگر تفسیر آیه: و علی الذین یطیقونه فدیہ... (بقره/۱۸۴) می باشد که ادعا شده با آیه فمن شهد منکم الشهر فلیصمه (بقره/۱۸۵) نسخ شده است. ابوالفتوح رازی با استناد به روایاتی از جمله حدیث امام صادق (ع) به تفصیل حکم آیه را بیان کرده و طی آن خاطر نشان کرده بین دو آیه منافاتی وجود ندارد تا یکی ناسخ دیگری باشد بلکه آیه تکلیف گروهی را بیان کرده که روزه از آنان ساقط است و آیه صوم تکلیف دو گروه دیگر را که روزه ماه رمضان و لا اقل آنکه قضای آن بر آنان واجب است. ۷۴ بنابراین از نظر این مفسر این دو آیه نمی توانند مصداق ناسخ و منسوخ باشند.

### رویکرد صرفاً گزارشی در آیات ناسخ و منسوخ

ابوالفتوح رازی در مواردی چند نیز صرفاً به گزارش گفته های مفسران حول آیاتی که ادعای نسخ آنها شده، اکتفا کرده است و یا با گفتن اینکه آیه مخصوص است یا منسوخ و یا اینکه در مذهب ما نسخ این آیه درست نیست از کنار آیه عبور کرده است. برای مثال ذیل آیه ۱۰۹ بقره و ذکثیراً من اهل الکتاب لو یردونکم من بعد ایمانکم کفاراً احداً سه قول از مفسران آورده است که بر اساس آن آیه منسوخ است؛ اما بی هیچ داوری. ۷۵

نمونه دیگر ذیل تفسیر آیه صفح است: و ان الساعة لاتیة فصفح الصفح الجمیل (حجر، ۱۵/ ۸۵)، ابوالفتوح گفته است: «گفتند: این آیت منسوخ است به آیت قتال ۷۶ (توبه/۳۹) مثال دیگر در تفسیر آیه: الزانی لا ینکح الازانیة (نور، ۳/۲۴) که گفته شده با آیه و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و اماتکم (نور/۳۲) نسخ شده است. ابوالفتوح در آنجا گفته است: این در ابتدای اسلام بود آنکه منسوخ شد این حکم بقوله تعالی و انکحوا الایامی منکم الایة و این قول درست نیست به نزدیک ما و اگر چه مذهب بیشتر فقها این است. در تفسیر آیه لا اکراه فی الدین (بقره/۲۵۶) نیز صرفاً قول کسانی را که گفته اند منسوخ است و دیگری که گفته اند منسوخ است، آورده است. ۷۷

نمونه‌های دیگری نیز در این بحث وجود دارد که برای پرهیز از تطویل از ذکر آن خودداری می‌شود. ۷۸

### مکی و مدنی در تفسیر ابوالفتوح رازی

مکی و مدنی از انواع مهم علوم قرآنی به شمار می‌آید. قرآن پژوهان برای شناسایی نوع آیات و سوره مکی و مدنی ملاک‌هایی در نظر گرفته‌اند. به علاوه بر شناخت این نوع آیات فوایدی نیز مترتب است که تفصیل پرداخت آن در این جمال نمی‌گنجد. ۷۹

در *روض الجنان* این بحث نمودی بارز و برجسته ندارد. اما در عین حال ابوالفتوح در ابتدای معرفی سوره‌ها، مکی و مدنی بودن آیات و سوره را مورد توجه قرار داده و با ذکر تعداد آیات سوره در شمارش کوفی و بصری و مدنی، به نوعی در این بخش از علوم قرآنی نیز وارد شده است. او در این قبیل موارد حتی اگر آیه یا آیاتی بین سوره‌ای، مدنی یا مکی باشد از نظر دور نداشته است. ۸۰ بیان علائم شناخت آیات مکی و مدنی که به نحوی در لابلای گفته‌های مفسران قبل از وی نیز آمده در تفسیر ابوالفتوح قابل ذکر است. اینکه هر جا یا ایها الناس آمده آیه مکی است ولی هر آیه‌ای که در آن به «یا ایها الذین آمنوا» خطاب شده آیه، مدنی است از نمونه‌های بیان این علائم در تفسیر ابوالفتوح است. البته او افزوده که این: «قول بر تقریب و تغلیب باشد نه بر تحقیق» ۸۱ به نظر می‌رسد این معیار که بر اساس آن اشخاص، پایه و اساس تقسیم بندی مکی و مدنی است در نظر ابوالفتوح چندان جایگاهی ندارد. بویژه که در تفسیر او سخن از آیاتی است که نه در مکه و نه در مدینه فرود آمده است مانند آیه ۸۵ قصص (ان الله الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد) که در جحفه ۸۲ فرود آمده است. ۸۳

در جایی نیز معیار را مکانی فرض کرده است. گواهی آن در معرفی سوره مائده است که گفته: «جعفر بن مبشر گفت مدنی است مگر یک آیت که در حجة الوداع آمد و هی قوله: الیوم اکملت لکم دینکم، پیداست این آیه پس از هجرت است (زماناً) اما در مکه نازل شده است.» ۸۴

### مکی و مدنی و تأثیر آن در فهم بهتر آیه قرآن

بدون شک یکی از فواید مکی و مدنی فهم و تفسیر صحیح تر آیات قرآن است. نگاهی به تفسیر آیه‌های نظیر ۴۳ رعد، ۹۰ نحل، ۶۰ اسراء در فضای بحث مربوط به مکی و مدنی این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد. ۸۵

در پاره‌ای موارد ابوالفتوح رازی نیز در تفسیر خود به این نکته بنیادین توجه داشته

است. برای مثال در معرفی تفسیر سوره مؤمن گفته است:

این سوره مکی است در قول مجاهد و قتاده و در او ناسخ و منسوخ نیست در او یک آیت مدنی است و هی قوله و سبح بحمد ربک بالعشی و الابرار .  
او در توجیه مدنی بودن این آیه این سخن را آورده است: (گفته اند) برای آن که اتفاق است که فرض نماز به مدینه انزله بود. اما آن را رد می کند و می گوید: این مسلم نیست و اتفاق نیست برای آن که رسول هنوز به مکه بود که به دو قبله نماز کرد و تحویل قبله به مکه بود.<sup>۸۶</sup>

### اقسام سوره ها در تفسیر ابوالفتوح

پیامبر (ص) فرمود: به جای تورات به من سبع طووال و به جای زبور مئین و در عوض انجیل مثنائی عطا شد و به مفصل من برتری یافتم<sup>۸۷</sup>  
در تفسیر روض الجنان چنین نام گذاری هایی وجود دارد و ابوالفتوح به آنها اشاره کرده است.<sup>۸۸</sup> او سبع طووال را نام برده است که عبارتند از ۷ سوره طولانی ابتدای قرآن از بقره تا توبه که در پی هم اند. منظور از مئین از نظر او سوره هایی اند که کما بیش صد آیت دارند مانند یونس، هود، یوسف، اسراء و کهف و مثنائی که به جای انجیل است از نظر وی سوره هایی اند که قریب صد آیه دارند.<sup>۸۹</sup>

تعریف مفصلات در تفسیر ابوالفتوح شامل چند قول است. بر اساس یک نظر مفصل از سوره محمد تا به آخر قرآن است و دیدگاه دیگر آن را از سوره ق تا به آخر قرآن می داند. ابن عباس بر آن بود که از سوره الضحی تا به آخر قرآن است. ابوالفتوح در وجه تسمیه مفصل چنین اظهار نظر کرده است:

برای آتش مفصل خوانند که فصل بسیار باید کردن از میان دو سوره بسم الله الرحمن الرحیم و بعضی دیگر گفتند برای آن که فصل باید کردن از میان هر دو سوره به یکدیگری.<sup>۹۰</sup>  
بر اساس روایاتی ابوالفتوح عروس قرآن را سوره الرحمن دانسته.<sup>۹۱</sup> و قلب قرآن را سوره یس<sup>۹۲</sup> و حوامیم را «دیباج القرآن» معرفی کرده است.<sup>۹۳</sup> وی همچنین مسبحات را شامل حدید، حشر و صف، جمعه و تغابن دانسته است.<sup>۹۴</sup>

ابوالفتوح در پایان تفسیر خود تعداد آیات را در شمارش های بصری، مدنی، کوفی به ترتیب ۶۲۰۴، (۶۲۱۷ یا ۶۲۱۴)؛ ۶۲۳۶ آیه گفته و در نهایت نزول ۸۵ سوره را در مکه و ۲۹ سوره را در مدینه که البته تأکید هم کرده که در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد.<sup>۹۵</sup>



۱. ابوالفتوح رازی؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مقدمه / چهل و چهار، مشهد: آستان قدس رضوی، تصحیح: محمد جعفر یاحقی و ناصح.
۲. همان / پنجاه و نه.
۳. همان، ۵ / ۱۴۸.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، معالم العلماء / ۱۴۱، چاپ نجف: ۱۹۶۱ م / ۱۳۸۰ هـ.
۵. روض الجنان و روح الجنان، ۱۰ / ۲۳۷؛ ۱۲ / ۲۸۶.
۶. همان، مقدمه / پنجاه و چهار، و. ر. ک: عسکر حقوقی، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح، ۱ / ۲۴، تهران: دانشگاه تهران ۱۳۴۶.
۷. تحقیق در تفسیر ابوالفتوح، ۱ / ۵۶-۲۱۳.
۸. ر. ک: مباحث فی علوم القرآن / ۱۰، و نیز، محمد علی مهدوی راد، سیر نگارش های علوم قرآنی / ۸-۱۲.
۹. شیخ طبرسی، مجمع البیان، ۱ / ۸۰؛ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱ / ۱۰؛ آرتور جفری، مقدمتان فی علوم القرآن / ۱۷۳؛ بدر الدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۲ / ۱۴۷.
۱۰. روض الجنان و روح الجنان، ۱ / ۲۴-۳۳.
۱۱. همان.
۱۲. همان، ۴ / ۱۷۹.
۱۳. در تفسیر ابوالفتوح تأویل به معنای عقوبت انسان و عاقبت نیز آمده است. روض الجنان و روح الجنان، ۵ / ۴۱۴ و ۸ / ۲۱۶.
۱۴. همان، ۱ / ۲۴.
۱۵. همان.
۱۶. همان، ۴ / ۱۷۹.
۱۷. همان / ۱۵۰.
۱۸. ابو عبید قاسم بن سلام از جمله کسانی است که به این موضوع تصریح کرده است. سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۴ / ۱۶۷.
۱۹. روض الجنان و روح الجنان، ۴ / ۱۸۳.
۲۰. همان.
۲۱. سوره یوسف، آیه ۲.
۲۲. روض الجنان و روح الجنان، ۴ / ۱۸۳.
۲۳. همان، ۱۱ / ۷۵، ۷۶ و ۸۷.
۲۴. همان، ۴ / ۱۸۴.
۲۵. الاتقان فی علوم القرآن، ۳ / ۱۱.
۲۶. ر. ک: مفاتیح الغیب، ۲ / ۴۱۷؛ المنار، ۳ / ۱۶۵-۲۶۳؛ المیزان، ۳ / ۳۱-۳۸.
۲۷. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن / ۲۲۶.
۲۸. روض الجنان و روح الجنان، ۱ / ۳.
۲۹. همان / ۵.
۳۰. همان، ۱۰ / ۱۵۰.
۳۱. همان، ۱ / ۴.
۳۲. همان.
۳۳. همان / ۵.
۳۴. الله نزل احسن الحديث کتاباً متشابها مثانی... (زمر، ۳۹ / ۲۳)
۳۵. روض الجنان و روح الجنان، ۱۶ / ۳۱۷.
۳۶. ابوالفتوح احکام را از صفات فعل گرفته و بر اساس آن نتیجه گرفته که قرآن محدث است، روض الجنان، ۲ / ۲۳.
۳۷. همان، ۱۰ / ۲۲۷.
۳۸. لایاتیة الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید (فصلت، ۴۱ / ۴۲).
۳۹. روض الجنان و روح الجنان، ۱۷ / ۸۵.
۴۰. همان، ۴ / ۱۷۵-۱۷۶.
۴۱. همان، ۱ / ۱۸۹.
۴۲. بدون شمشیر و خونریزی بر عراق استیلا یافت.
۴۳. روض الجنان و روح الجنان، ۱ / ۱۸۹-۱۹۰.
۴۴. همان، ۷ / ۵۴-۵۵.
۴۵. نسخ عبارت است از رفع امر ثابتی در شریعت به جهت ارتفاع مدت آن امر، خواه از احکام تکلیفی باشد و خواه از احکام وضعی و چه از مناصب الهی باشد و چه غیر از آن، از اموری که به خداوند به عنوان شارع برمی گردد. ابوالقاسم خوئی، البیان / ۲۷۷-۲۷۸.
۴۶. روض الجنان و روح الجنان، ۲ / ۹۹.

۴۷. همان، ۶/۱.
۴۸. همان، ونیز، ۱۰۰/۲.
۴۹. برای تفصیل بیشتر ر. ک: همان، ۱۰۱/۲.
۵۰. همان/۱۰۰.
۵۱. همان، ۷/۱ و ۱۰۱/۲.
۵۲. همان، ۷-۶/۱.
۵۳. ما نسخ من آیه أو نساها نأت بخیر منها أو مثلها (بقره، ۲ / ۱۰۶)، روض الجنان و روح الجنان، ۱۰۱-۱۰۲.
۵۴. همان/۱۰۱.
۵۵. شایان ذکر است که در دو جای این تفسیر که این بحث مطرح شده، بین پنج رضعه و پانزده رضعه خلطی صورت گرفته است (ر. ک: همان، ۷/۱ و ۱۰۲/۲).
۵۶. همان، ۷/۱.
۵۷. همان، ۱۰۷/۲.
۵۸. همان، ۹۸/۲.
۵۹. همان، ۲۳۷/۱۱.
۶۰. زرقانی، مناهل العرفان، ۱۸۴/۲.
۶۱. روض الجنان و روح الجنان، ۱۰۱/۲.
۶۲. همان/۱۰۲.
۶۳. مجمع البیان، ۴۲۰/۱.
۶۴. روض الجنان و روح الجنان، ۲۰۹/۲.
۶۵. البرهان فی علوم القرآن، ۳۱/۲.
۶۶. مناهل العرفان، ۲۴۴/۲.
۶۷. روض الجنان و روح الجنان، ۱۱/۱۷۳، ۱۶/۱۲۸ و ۱/۱۷.
۶۸. در مورد ناسخ و منسوخ نوعی تقسیم بندی وجود دارد که بر اساس آن سوره‌هایی که ناسخ و منسوخ ندارند ۴۳ مورد و سوره‌هایی که ناسخ و منسوخ دارند ۲۵ یا ۳۱ مورد، سوره‌هایی که فقط یک آیه ناسخ دارند ۶ مورد، و سوره‌هایی که لفظ آیه منسوخ دارند ۴۰ سوره، که درست نیست، (ر. ک: البرهان فی علوم القرآن، ۳۳/۲، ابن حزم، الناسخ و المنسوخ / ۱۰-۱۲).
۶۹. روض الجنان و روح الجنان، ۳/۶۹.
۷۰. همان/۲۰۱.
۷۱. همان/۳۱۵-۳۱۷.
۷۲. همان، ۲/۳۴۱.
۷۳. همان.
۷۴. همان، ۳/۱۸.
۷۵. همان، ۲/۱۰۹-۱۱۰.
۷۶. همان، ۱۱/۳۴۱.
۷۷. همان، ۳/۴۱۳.
۷۸. ر. ک: همان، ۶/۲۰۳.
۷۹. البرهان فی علوم القرآن، ۱/۱۸۷، النوع التاسع.
۸۰. برای نمونه بنگرید به: روض الجنان و روح الجنان، ۵/۲۳۱، ۸/۱۱۹، ۱۳/۲۹۲، ۱۹/۲۳۹؛ و...
۸۱. همان، ۵/۲۳۱ و نیز ر. ک: همان، ۲/۹۲.
۸۲. جحفه منطقه‌ای بین مکه و مدینه و میقات اهل شام بوده است. (لغتنامه دهخدا، ج ۱۶، ماده ج)
۸۳. روض الجنان و روح الجنان، ۱۵/۱۷۹.
۸۴. همان، ۶/۲۱۴ و ۱/۹۱.
۸۵. ر. ک: علامه طباطبایی، المیزان، ۱۳/۱۳۷، ۱۴۳/۱۸، ۲۸/۱۱، ۳۸۶-۳۸۷.
۸۶. روض الجنان و روح الجنان، ۱۷/۱.
۸۷. طبری، تفسیر طبری، ۱/۳۴، چاپ: بولاق.
۸۸. روض الجنان و روح الجنان، ۱/۱۶.
۸۹. همان، ونیز ۹/۱۶۲ و ۱۸/۲.
۹۰. همان، ۱/۱۷.
۹۱. همان، ۱۸/۲۳۸.
۹۲. همان، ۱۶/۱۲۸.
۹۳. همان، ۱/۱۷.
۹۴. همان، ۱/۱۹.
۹۵. همان، ۲۰/۴۸۷.